

شهادت؛ شریعت با ایمان

از زمانی که اسلام تحت لوای دینی آسمانی، پهنه عربستان را فراگرفت، فرهنگ شهادت در مقام فرهنگی ایثارگریانه در میان مسلمانان فراگیر شد.



از زمانی که اسلام تحت لوای دینی آسمانی، پهنه عربستان را فراگرفت، فرهنگ شهادت در مقام فرهنگی ایثارگریانه در میان مسلمانان، فاگد شد.

این فرهنگ از صدر اسلام به وجود آمد؛ از همان روزهای نخستینی که پیامبر مردم را به این دین فرامی خواند و قرآن بتدریج بر او نازل می شد. در قرآن بر شهادت تأکید شده و شهید در نزد خداوند مقامی والا دارد. شهادت در دین اسلام به معنای کشته شدن در راه خداست. این کشته شدن در دفاع از مرزهای اسلامی یا در گسترش دین اسلام است. در این میان شهید به کسی گفته می شود که جان خود را در این راه بگذارد و به خاطر خداوند و مردم جان خود را از دست بدهد. قرآن نه تنها شهید را فردی زنده می شمارد که برای او نعمت های بی شماری را در جهان آخرت منظور می کند. «هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندار بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است، شادمانند و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته اند شادی می کنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می شوند.» (170 - 169 / 3) خداوند شهید را در راستای پیامبران و پرهیزکاران می آورد و برای آنها مقامی رفیع قائل است: «و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدانند.» (69 / 4)

از این رو در تاریخ اسلام شاهد آن هستیم که مسلمانان معتقد و مومن در راه خداوند داوطلبانه با کفار می جنگیدند. حتی بسیار دیده شده است که بسیاری از آنان حتی در آرزوی بهشت نیز نبودند و ایثار آنها صرفا جنبه گسترش و اشاعه دین اسلام را داشته است.

بنابراین برای جنگیدن در راه خداوند و شهادت می توان دو دلیل عمده در نظر گرفت؛ نخست شهادتی است که براساس پایبندی به شریعت صورت می گیرد که در این نوع شهادت فرد با توجه به اعتقادات خود جنگیده و در این راه ثواب کار خود را نیز مدنظر داشته است و چه بسا به خاطر ثواب اخروی به جنگ رفته و به درجه شهادت نیز نائل گشته است. در این مورد می توان به جنگ های صدر اسلام که بین مسلمانان و کفار صورت می گرفت، اشاره کرد که به این جنگ ها غزوه می گفتند. برخی از این غزوه ها ودان، بواط، بدر، احد، خندق و... نام داشتند. حتی بین مسلمانان نخستین و یهودیان نیز جنگ هایی درمی گرفت. در تمام این درگیری ها مسلمانان با اعتقاد به شریعت یا ایمان خویش با کفار نبرد می کردند، اما برخی از این مسلمانان زمانی که جان خود را در معرض خطر می دیدند، به دنبال مفر می گشتند.

به عنوان مثال در جنگ احد وقتی شایعه به شهادت رسیدن پیامبر فراگیر شد، عده ای از مسلمانان فراری شدند و با خود می گفتند کاش ابوسفیان به ما امان دهد. آنها می خواستند پیش از کشته شدن به خانه های خود بازگردند. (شهیدی، 1383، 81) پس در چنین موردی باید اذعان کرد ایمان پایه و اساس دینداری چنین افرادی را تشکیل نمی دهد. پس شهادت آنها در جنگ نیز نمی تواند بر پایه ایمان و اعتقاد آنها به خداوند باشد، اما نوع دیگری از شهادت نیز وجود دارد که در آن شهادت براساس ایمان است. در این نوع از شهادت فرد یا افراد نسبت به مزایای مادی یا غنیمت های جنگی بی اعتنا هستند. آنها در این راه از خود و خانواده خود می گذرند و آنچه برایشان اهمیت دارد در نظر گرفتن مصالح دینی و مذهبی است. این نوع شهادت غالبا با هدف مبارزه با ظلم و جور صورت می گیرد. بنابراین اگر فرد به درجه شهادت نائل شود، شهادت وی مبتنی بر ایمان است.

هرچند نمی توان بین شهادت براساس پایبندی به شریعت یا ایمان تفکیکی قائل شد، باید گفت شهادتی که از روی ایمان صورت می گیرد از درجه والاتری برخوردار است. چراکه فرد تنها در راه دین و به خاطر خداوند شهید می شود. نمونه مسلم این شهادت را می توان در شهادت مظلومانه امام حسین (ع) و یاران وفادار ایشان یافت. قیام امام حسین (ع) علیه ظلم و جور یزیدی صورت گرفت. یزید در حکومت و زندگی راه پدر خویش را دنبال کرد. او نیز مانند معاویه به جای آن که ادامه دهنده راه پیامبر و حضرت علی باشد و ساده زیستی و رسیدگی به احوال مردم را انتخاب کند، راه پادشاهان رومی را در پیش گرفت. معاویه شام را که سال ها تحت سیطره امپراتوری روم بود پایتخت خود قرار داد. از این رو همانند پادشاهان و امرای رومی برای خود قصر ساخت و از وسایل تزئینی در کاخ خود استفاده کرد. همچنین او برای حفظ جان خود از محافظ استفاده می کرد و هنگامی که برای نماز به مسجد می رفت، در مکانی مخصوص و جدا از دیگران به نماز می ایستاد، اما در مورد یزید باید گفت او از پدر خویش نیز فاسدتر بود. او نه تنها به ظاهر اسلام توجهی نداشت که شرابخواری و قمار و ساز و آواز را در شهرهای اسلامی رواج داد. مسلمانان و مخصوصا کوفیان که بر ضد یزید بودند، نامه های بسیاری به امام حسین (ع) نوشتند تا اسلام را از بلایی که گریبانگیر آن شده است نجات دهد و وضع مردم و شهرهای اسلامی را به حالت سابق بازگرداند. امام حسین (ع) که خود از این وضع آگاهی داشت، به قیام برخاست و عده ای نیز او را همراهی کردند، اما کوفیان به عهد خود وفا نکردند و به امام پشت کردند. در نتیجه امام با تعداد اندکی از یاران خویش به مصاف یزیدیان رفت و آگاهانه اعلام کرد هر آن که از جان خود بیم دارد، می تواند از این نبرد چشم پوشی کند و به دیار خود بازگردد.

موضع امام حسین (ع) و یارانی که با وی در این جنگ به شهادت رسیدند از روی ایمان بود. ایمان آنها نه جدای از شریعت که از روی پایبندی به شریعت و اجرای صحیح آن صورت گرفته بود. پس به رغم تقسیم بندی ای که بین شهادت از روی ایمان و شریعت صورت گرفت و برخلاف افرادی که فقط به صرف برخورداری از ثواب نبرد می کنند، باید گفت بین شهادت از روی ایمان و شهادت از روی پایبندی به شریعت مرزی وجود ندارد. زیرا مسلمان واقعی کسی است که به شریعت عمل می کند و همین شریعت او را به سوی ایمان واقعی رهنمون می سازد.

هما شهرام بخت / جام جم